

## نگاهی به کتاب الرسالة الجامعة و گروه اخوان الصفا

(به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت دکتر شرف‌الدین خراسانی)

دکتر سید محمد صادق سجادی

(دبیر شورای عالی علمی دایرة المعارف بزرگ اسلامی)

اخوان الصفا و خلان الوفا، نامی است که نویسندگان رسایل معروف به رسایل اخوان الصفا، بر خود نهاده و آن را موسعاً بر کسانی از آدمیان از روزگار کهن تا ایام خود ایشان که در اندیشه و کردار و گفتار مانند آنانند؛ یعنی کسانی که به آرامش درونی دست یافته، ذهن هایشان کزنی و تیرگی نپذیرفته و به اندازه‌ی توانایی بشر، به خدا تشبه جسته‌اند، نیز اطلاق کرده‌اند (رک). رسایل اخوان، ۴/۲۶۹، ۱۸-۱۷/۴-۴۱۱، ۴۱۲-۴۱۷) به رغم تحقیقات نسبتاً مهم و گسترده، هنوز نام و نشان همه‌ی نویسندگان رسایل دانسته نیست و درباره‌ی مذهب آن‌ها نیز نمی‌توان به قطع و یقین سخن گفت؛ گرچه شواهدی سخت توجه برانگیز برای انتساب آن‌ها به مذهب اسماعیلی یا لاقل نوعی گرایش قوی به این مذهب و خاصه فاطمیان در رسایل اخوان و اثر دیگری که در این نوشتار به اجمال درباره‌ی آن سخن خواهیم گفت و نیز برخی آثار اسماعیلی دیده می‌شود (رک). رساله الاصول و الاحکام، ص ۱۲۱؛ فصل من رساله و حیده فی تثبیت ارکان العقیده، ص ۷۴-۷۵؛ عیون الاخبار، 367.4، IV/663، EI2). درباره‌ی اخوان الصفا هیچ تحقیق جامع به زبان فارسی در دست نیست، جز یکی دو رساله‌ی تحقیقی که از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه شده و یکی از آن‌ها را نگارنده‌ی این سطور سال‌ها پیش ترجمه کرده است (رک). اخوان الصفا). مقاله‌ای که شادروان دکتر شرف زیر عنوان «اخوان الصفا» در جلد هفتم دایرة المعارف بزرگ اسلامی نوشته فی الواقع معتبرترین اثر درباره این دانشمندان به زبان فارسی و در عین حال، به‌ترین و جامع‌ترین مقاله به زبان فارسی درباره‌ی گروهی از متفکرانی است که درباره‌ی آنان و انگیزه‌های فکری و اجتماعی که به تألیف رسایل اخوان انجامید، هنوز دشواری‌های بسیار باقی است. دکتر شرف در این مقاله کوشیده با استناد به معتبرترین منابع کهن و تحقیقات جدید، به خصوص از راه تحقیق مستقیم در متن رسایل اخوان، تصویری محققانه از بافت فکری اخوان و اصول اندیشه‌های آن‌ها به دست دهد و البته در این کار توفیق بسیار یافته است.

یکی از دشواری‌های تحقیق درباره‌ی آثار و آراء اخوان، دست‌یابی به تصویری مقبول از نسبت

میان اخوان الصفا و رسایل آن‌ها با اثری موسوم به الرسالة الجامعة است که در این جا به چند نکته در این باره به ایجاز تمام اشاره می‌شود و تفصیل مطلب را به مقدمه الرسالة الجامعة که آن را براساس یک نسخه کهن در دست تصحیح دارم ارجاع می‌دهم.

کتاب الرسالة الجامعة، تاکنون دوبار و هر بار بر اساس نسخه‌های قرون (۱۰ تا ۱۳ هجری) به چاپ رسیده است. یک بار به کوشش جمیل صلیبا که آن را به مسلمه بن احمد المجریطی (۳۹۸ ق) نسبت داده و بار دیگر به کوشش مصطفی غالب که آن را از تألیفات امام مستور اسماعیلی، احمد بن عبدالله بن محمد بن اسماعیل، نواده‌ی امام جعفر صادق (ع) دانسته است. دکتر شرف با اطلاع از این هر دو چاپ، این اثر را بدون بحث درباره‌ی ماهیت آن، قطعاً از اخوان الصفا دانسته و برخی از آراء آن‌ها را از این اثر بیرون کشیده است. من نیز که این اثر را، بر اساس یک نسخه‌ی کهن از قرن ۷ ق در دست تصحیح و انتشار دارم، معتقدم الرسالة الجامعة، به قلم و زبان اخوان الصفا و کاملاً منطبق با اندیشه‌های آنان است؛ اما تعیین و تشخیص ارتباط میان دو اثر خالی از دشواری‌های بسیار نیست. دو پرسش اساسی در این باره، پس از حصول یقین نسبت به یگانگی نویسنده یا نویسندگان هر دو اثر، قابل طرح است. نخست آن که کدام یک مقدم بر دیگری نوشته شده و دیگر آن که میان دو اثر از لحاظ موضوع و معنی و هم صورت و ترتیب رسایل و ابواب چه تناسبی هست؟

باید گفت اخوان در مواضع متعدد از رسایل، خواننده را برای کسب اطلاعات دقیق‌تر به الرسالة الجامعة حواله داده و از عباراتی چون «ذکرنا فی رسالتنا الجامعة» یا «ذکرناه فی الرسالة الجامعة» برمی‌آید که تألیف این اثر مقدم بر رسایل بوده است (مثلاً رسایل، ۳/۳۷۹، ۴/۲۷۸، ۲۹۰، ۳۰۹-۳۰۸ چاپ قاهره). می‌دانیم که ارجاع و اشاره‌ی نویسندگان به آثار مقدم خود، همواره رایج بوده است، ولی عجیب آن جا است که نه تنها در الرسالة الجامعة، که ظاهراً بر رسایل تقدم دارد، نیز به رسایل اشاره شده (مثلاً، الرسالة الجامعة، ۲/۵۲۷، ۱۶۹، ۱۴۱، ۱۱، ۹)، بل که همان جا تصریح شده که آن چه در رسایل پیشین، مبهم و رمزآلود بوده، در الرسالة الجامعة (۲/۳۹۴؛ ۱) به روشنی ولی به ایجاز و اختصار ذکر می‌شود (به صیغه‌ی مضارع) به خصوص این معنی جالب است که در رساله‌ی «اعتقاد اخوان الصفا» در کتاب الرسالة الجامعة آورده که «ما در آغاز این رساله‌ی موسوم به اعتقاد اخوان الصفا، از احوال مرد حکیم راست کردار راستگو و پزشک ماهر سخن گفتیم». مراد از آغاز این رساله، آن طور که طبیعتاً به نظر می‌رسد، آغاز این مبحث در الرسالة الجامعة نیست، بل که در رسایل

اخوان است که به تصریح در این باره سخن گفته است. در مبحث علم عدد در الرسالة الجامعة نیز به مطلبی اشاره می‌کند و می‌گوید آن را در رسایل آورده (پیش گفته، ۱۷۳/۱) و فی الواقع نیز آن را در همان مبحث از کتاب رسایل می‌توان یافت در جایی از رسایل تصریح کرده که الرسالة الجامعة مدخل رسایل است (رک. رسایل اخوان، الرسالة الثالثة در اعتقاد اخوان). از این نمونه‌ها برمی‌آید که وقتی الرسالة الجامعة نوشته می‌شده، رسایل موجود بوده است. در جایی از رسایل آمده که آن چه در رسایل ۵۲ گانه آوریم در الرسالة الجامعة بسط دادیم (پیش گفته، ۶۵۳-۶۵۲/۱). آنگاه توصیه شده که الرسالة الجامعة به تر است پس از رسایل «۵۱ گانه» خوانده شود (همان، الرسالة الخمسون) و در جای دیگر آورده که آن چه در رسایل «۵۱ گانه» آمده، همه را در یک رساله تلخیص کردیم و آن را «الجامعة» نام نهادیم. بسی قابل توجه است که این اطلاع اخیر، نه در آغاز و نه در پایان رسایل، بل که در میانه‌ی جلد ۴ آمده است یعنی وقتی که محتملاً هنوز معلوم نبوده که این مجموعه مشتمل بر (۵۱ یا ۵۲) رساله خواهد شد و مهم‌تر آن که از این عبارت لازم می‌آید که ملخص رسایل، پیش از خود رسایل نوشته شده باشد.

از آن چه به اجمال گفته شد، درباره‌ی نسبت میان دو اثر به چند احتمال می‌توان دست یافت: نخست آن که الرسالة الجامعة، با توجه به ساخت صوری و معنایی، تحریر دیگری از رسایل تلقی گردد. یعنی پس از تألیف رسایل و آنگاه الرسالة الجامعة، متن هر دو مورد تجدید و تکمیل واقع شده و در مطاوی هر یک به دیگری که در آن وقت موجود بوده، اشاره و حواله شده؛ دوم آن که می‌دانیم و در مقدمه‌ی رسایل هم به این معنی اشاره شده، که پس از هر رساله از رسایل اخوان، فصلی مشتمل بر خلاصه‌ی بحث که گاه تکمیل‌کننده‌ی آن هم بوده، قرار داشته است. این فصول را که جامع مطالب رساله‌های خود بوده و به این نکته هم در خود رسایل اشاره شده، بعد از اتمام رسایل از متن استخراج کرده و پس از تبویب و بل که تنظیم، صورت اثری مستقل به آن داده‌اند. فی الواقع هم ابواب الرسالة الجامعة را به سادگی می‌توان در کنار ابواب و رسایل موجود در کتاب رسایل اخوان قرار داد و به مثابه یک اثر به آن نگاه کرد؛ سوم آن که الرسالة الجامعة پس از رسایل و به عنوان تلخیص و در موضعی مهم با تنظیم مطالب سابق نوشته و در آخر رسایل قرار داده شده و سپس به دلایلی که عجزاً دانسته از آن جدا شده باشد. آن چه این گمان اخیر را قوت می‌بخشد اولاً آن است که قفلی در کتاب اخبار الحکما تصریح کرده که رسایل اخوان مشتمل بر «۵۰» رساله بوده و رساله‌ی «۵۱»

خلاصه و زبده و جامع آن «۵۰» رساله بوده؛ ثانیاً اخوان در پایان مقدمه‌ای که در آن رسایل و ابواب مندرج در آن را وصف کرده‌اند، به تصریح گفته‌اند که پس از این رساله الجامعة می‌آید و توصیه کرده‌اند که الرسالة الجامعة پس از رسایل خوانده شود و حتی چند بار از رسایل به عنوان درآمد رساله الجامعة یاد کرده‌اند و ثالثاً در مواضعی، کلمه‌ی رسایل را به عنوان متمم «الجامعة» و به صورت «الرسالة الجامعة من رسائلنا» به کار برده‌اند. تفصیل این نکات را در جای دیگر عرضه خواهیم کرد؛ اما ناگفته پیداست که در این باره هنوز جای تحقیق و دست‌یابی به نتایج دقیق‌تر باز است.



## کتابنامه :

- رسائل اخوان .  
حاتم بن زهره ، رساله الاصول و الاحکام .  
حسین بن علی ، فصل من رساله وحیده فی تثبیت ارکان العقیده .  
ابن قتیبه ، عیون الاخبار .  
یوحنا قمیر ، اخوان الصفا ، ترجمه صادق سجادی ، تهران : انتشارات فلسفه .  
الرسالة الجامعة ، دمشق ، چاپ جمیل صلیبا ، ۱۹۴۹ .  
رسائل اخوان ، الرسالة الثالثة در اعتقاد اخوان .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی